



مرکز پژوهش و کارشناسی در اقتصاد جهانی منتشر کرد:

چه کسی از فرار مغزها می‌ترسد؟

در کتاب «پیرامون فرار مغزها»، از منظری حقوقی و سیاسی، استدلال‌های موافق و مخالف جلوگیری از جابجایی نخبگان را به جهت محدود نمودن فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته‌است. هیلل راپاپورت در این مقاله، این بحث را با بیان دیدگاه‌هایی در مورد تحقیقات اقتصادی اخیر پیرامون فرار مغزها، جهانی شدن و توسعه، تکمیل می‌کند. تأکید راپاپورت بر دو نتیجه عمده است: یکی اینکه سرمایه‌گذاری‌های آموزشی زمانی افزایش می‌یابند که مهاجرت نخبگان با محدودیت مواجه نشود؛ و دیگری، نقش پراکندگی نخبگان در تسریع ادغام کشورهای مهاجران در اقتصاد جهانی. هر دو نتیجه، منطق باز گذاشتن راه مهاجرت نخبگان را تقویت می‌کنند.

مقاله چه کسی از فرار مغزها می‌ترسد؟ دیدگاه اقتصاددانان توسعه نوشته هیلل راپاپورت () توسط مرکز پژوهش و کارشناسی در اقتصاد جهانی () در فوریه سال ۲۰۱۷ به چاپ رسیده‌است. چکیده این گزارش به شرح زیر است:

کتاب پیرامون فرار مغزها: آیا دولت‌ها می‌توانند جلوی مهاجرت را بگیرند؟ [۱] اثر جیلین براک و مایکل بلک (۲۰۱۵)، چشم‌انداز جدیدی را در مورد یکی از ایده‌های نظریه سیاسی لیبرال و نظام بین‌المللی حقوق بشر مطرح می‌کند: یعنی مهاجرت از حقوق بنیادین بشر است و بنابراین نباید آن را زیر سؤال برد. کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود و در آن، له یا علیه امکان ایجاد محدودیت بر مهاجرت توسط کشورهای در حال توسعه برای جبران خسارت‌های برآمده از فرار مغزها (یعنی مهاجرت کارگران ماهر) استدلال می‌شود. براک اظهار می‌کند که دولت‌های کشورهای در حال توسعه ممکن است زمانی که دچار خسارت‌هایی اساسی از ناحیه خروج کارگران ماهرشان شوند، محدودیت‌هایی موقت بر مهاجرت اعمال کنند. این در حالی است که بلک با چنین محدودیت‌هایی مخالفت می‌ورزد. هر دو نویسنده بر سر این مسأله توافق دارند که علی‌رغم مزایای زیادی که مهاجرت برای کشورهای مبدأ دارد، در برخی موارد ممکن است خسارت‌هایی اساسی به بار آورد.

اگرچه راپاپورت در این گزارش با این جمله که برخی کشورها از مهاجرت نخبگان متضرر می‌شوند، مخالفتی ندارد، اما با نتیجه‌گیری سیاسی براک مبنی بر اعمال قوانین محدودیت‌زایی که نخبگان را از مهاجرت منع می‌کند، مخالفت دارد. در ادامه، راپاپورت استدلال می‌کند که از نقطه‌نظری اقتصادی، مفهوم فرار مغزها جنبه مهم‌تری از مهاجرت نخبگان ندارد. زمانی که یافته‌های تحقیقات اقتصادی اخیر را مرور کنیم، پی می‌بریم که استدلال‌های هنجاری و ایجابی برای ایجاد مانع در راه مهاجرت، عمدتاً کنار گذاشته شده‌اند. حتی اگر برخی کشورها دچار خسارت‌های اساسی در نتیجه مهاجرت نیروی کار ماهرشان شوند، استدلال راپاپورت این است که به جای محدودیت و ممنوعیت مهاجرت، آنان باید سیاست‌هایی را در پیش بگیرند که مزایای مربوط به ایجاد و چرخه نخبگان را بیشتر می‌کنند.

ادبیات اقتصادی اخیر این دیدگاه سنتی و همچنان رایج را نمی‌پذیرد که فرار مغزها مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی کنونی و آینده کشورهای در حال توسعه است. در مقابل، امکان فروش سرمایه انسانی در خارج برای مردمان کشورها، انگیزه‌هایی جهت سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در سرمایه انسانی ایجاد می‌کند، و آنان را به سمت کیفیت بالاتر و آموزش و تحصیلات قابل انتقال بین‌المللی بیشتر سوق می‌دهد که در نهایت نسبت به کسانی که مهاجرت نمی‌کنند، منافع بیشتری نیز نصیب‌شان می‌کند. البته نیروهای متضادی نیز وجود دارند: مثلاً تأثیر کاهشی مهاجرت، فقدان انگیزه در صورتی که افراد به لحاظ مالی شکننده باشند، و انحراف از رشته‌های تحصیلی مورد نیاز کشور مبدأ (برای مثال، اولویت دادن به طب سالمندان در جایی که به طب اطفال نیاز بیشتری وجود دارد). گذشته از این، مزایای پراکندگی نیروهای ماهر، که به نظر می‌رسد بسیار حائز توجه و چندبعدی است، نباید نادیده گرفته شود. بنابراین، حتی اگر کسی دیدگاهی پیامدگرا نیز اتخاذ کند، دیدگاهی که منحصراً بر تأثیرات مهاجرت بر کشورهای مبدأ تمرکز می‌کند، حقوق افراد را برای مهاجرت نادیده می‌انگارد و وزن کمی برای خود مهاجران قائل می‌شود، اما شواهد خلاف آن چیزی هستند که راپاپورت آن را مرکانتیلیسم منسوخ شده در مورد فرار مغزها می‌نامد.

برای دریافت و مطالعه این مقاله از لینک دانلود زیر استفاده کنید.